



## بابای کوچه

روز و شب آرام جارو می‌کند  
کوچه را با جاروی دسته بلند  
می‌برم روزی به همراه پدر  
من برایش چای با یک حبه قند

دوست دارد هر کجا باشد تمیز  
آسمان لبخند می‌پاشد به او  
گاه گاهی خستگی در می‌کند  
می‌خرد از دوره گردی یک لیو

من از او متشکرم چون سال‌هاست  
کار کرده در بهار و در خزان  
کوچه‌ی زیبایمان مدیون اوست  
هست بابای عزیز کوچه‌مان



مرضیه تاجری

کیانا میرزایی